آینه

آفتاب

جزئیات درخواست ترامپ برای مذاکره با روحانی

● **در گفت‌وگو با حسین موسویان:** تهدیدات فعلی آمریکا درمورد تغییر رژیم و حمله نظامی و سایر خزعبلات مشابه از سوی مقامات نظامی این کشور نیست، بلکه از سوی سیاسیون تندرو مثل جان بولتون، مشاور امنیت ملی و پمپئو، وزیر امور خارجه است. نظامی‌های آمریکا از ابتدای دولت ترامپ موضع متفاوتی داشته‌اند. عالی‌ترین مقام نظامی آمریکا، ژنرال ماتیس، فرمانده پنتاگون است که مخالفت خود با خروج آمریکا از برجام، سیاست تغییر رژیم و حمله نظامی به ایران را رسما اعلام کرده است. او علنا به اعضای کنگره آمریکا گفت که من برجام را سه بار دقیق خوانده‌ام و حمایت می‌کنم. ژنرال می‌خواست به کنگره بفهماند که مخالفین برجام در آمریکا حتی آن را نخوانده و نمی‌فهمند... نشان‌دادن اقتدار و عزت و مقابله با زورگویی و تهدیدات آمریکا ضروری و حیاتی است، درعین‌حال باید توجه داشت که هدف اسرائیل و عربستان و نئوکان‌های آمریکا کشاندن دو کشور به رویارویی نظامی است و لذا باید مراقب این دام بود... حاکم‌شدن «فضای جنگ»، بخشی از پروژه مثلث اسرائیل-عربستان-نئوکان‌های آمریکا درمورد ایران است، زیرا موجب فرار بیشتر سرمایه‌های داخلی، اجتناب بیشتر شرکت‌های خارجی از همکاری اقتصادی با ایران، سقوط بیشتر ارزش پول ملی، ایجاد یأس و ناامیدی و نگرانی بیشتر در مردم و گرانی و تورم بیشتر می‌شود که سروسامان‌دادن به مشکلات اقتصادی کشور را اگر غیرممکن نکند، حداقل بسیار پیچیده‌تر می‌کند.

جمهوری اسلامی

فرصتی برای انتقام‌جویی

آنچه در این میان تعجب‌آور است، گرایش نیرومند صداوسیما به سمت‌وسوی تبلیغات منفی علیه دولت است که به بهانه شفاف‌سازی، چندصدایی، انعکاس افکار و دیدگاه‌های جامعه ولی به‌شدت یک‌طرفه و علیه دولت مستقر است که این روزها ابعاد تازه‌ای به خود گرفته و به ابزاری علیه نظام تبدیل شده است. به‌کاربردن الفاظ، کلمات و تحلیل‌های مأیوس‌کننده از تریبون صداوسیما که قرار بود «رسانه ملی» باشد، با اهداف و مأموریت‌های این رسانه عمومی به‌شدت مغایرت دارد و در بسیاری موارد، نقض غرض است. جای تعجب است که چرا صداوسیما در دوره دولت‌های نهم و دهم نقش گزارشگر ویژه دولت را ایفا می‌کرد، ولی امروزه دقیقا برعکس، نقش اپوزیسیون را ایفا می‌کند و به جنگ روانی علیه دولت دامن می‌زند... ترامپ با زبان تهدید و تغییر رژیم حرف می‌زند... به‌ویژه در شرایط فعلی که قبل از شروع تحریم‌های آمریکا، ارزش پول ملی ایران به‌طرز غیرقابل تصوری سقوط کرده و هنوز هم مسئولین قادر به مهار و مدیریت آن نیستند، هر نوع مذاکره احتمالی به معنی اوج ضعف ایران تلقی خواهد شد. مذاکره باید از موضع اقتدار و عزت باشد و نه ضعف و درماندگی. مذاکره با آمریکا از اختیارات مقام معظم رهبری است و تازمانی‌که معظم‌له مخالف هستند، مذاکره معنی ندارد و نباید جنجال داخلی در این مورد درست کرد.

کیهان

دو صد گفته چون نیم اعدام نیست!

به نظر می‌رسد فرصتی طلایی به دست قوه قضائیه افتاده است که با قلع‌وقمع تروریست‌های اقتصادی از سویی به مردم این اطمینان را بدهد که هیچ تعارفی با هیچ مفسدی نداشته و هر فردی را در هر جایگاهی به چنگال عدالت خواهد سپرد و همچنین نفس و روح تازه‌ای در اقتصاد بی‌جان کشور که توسط تروریست‌های اقتصادی به هم ریخته است دمیده شود... .

اعتماد

عدم برخورد با آقازاده‌ها خطرناک است

در گفت‌وگو با فرشاد مؤمنی: موضوع آقازاده‌ها یک موضوع جدی و اساسی است و متأسفانه ازآنجاکه ما هیچ‌وقت تمرکز جدی و ویژه بر موضوعاتی ازاین‌دست نداشته و نداریم، این موضوعات آن‌قدر استمرار پیدا می‌کند تا منجر به خلق یک وضعیت بحرانی شود. در واقع شرایطی که اکنون شاهد آن هستیم، استمرار مناسباتی است که در آن نسبت به نابرابری‌های غیرموجه، حساسیت و دقت کافی وجود ندارد. این عدم دقت هم درباره جهت‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی که منشأ این نابرابری‌های ناموجه می‌شود وجود دارد و هم درباره پیامدهای این اتفاق. اگر به کشورهای توسعه‌یافته دقت کنید، عموما شاهد بحث‌های مبسوطی درباره پیامد روند فزاینده نابرابری‌های غیرموجه خواهید بود. در این بحث‌ها گفته می‌شود وقتی نابرابری‌های غیرموجه از یک حدودی فراتر می‌رود، الگوی مسلط مناسبات اجتماعی به جای آنکه الگوی همکاری، تقسیم کار عقلایی و تخصصی‌شدن امور باشد، به سمت الگوی ستیز میل کرده و افراد به‌جای آنکه با یکدیگر همکاری کرده یا برای ارتقا به کمک هم بشتابند یا برای دستاوردهای بهتر بسترسازی کنند به سمت حذف یکدیگر، برخوردهای خشونت‌آمیز و موضوعاتی از این قبیل کشیده می‌شوند.

politics@sharghdaily.ir

برگزاری دور دهم مذاکرات سوچی درباره سوریه

سفیر روسیه در اسرائیل: نمی‌توان ایران را مجبور به خروج از سوریه کرد

شرق: سوچی این‌روزها میزبان دور دهم مذاکرات کشورهای روسیه، ایران و ترکیه درباره سوریه است. مهم‌ترین نشست‌های این مذاکرات دیروز برگزار شد و هیئت‌های کشورهای ضامن روند آستانه یعنی ایران، روسیه و ترکیه با یکدیگر دیدار کردند. از ایران حسین جابری‌انصاری دستیار ارشد وزیر خارجه ایران و لاورنتیف نماینده ویژه پوتین و اونال معاون وزیر خارجه ترکیه و هیئت‌های همراه آنها در نشست حضور داشتند. به گزارش «ایسنا» مذاکره‌کنندگان ارشد سه کشور ضامن روند آستانه در این نشست، با تکمیل مباحث جلسه قبلی خود، پیش‌نویس بیانیه پایانی دهمین کنفرانس بین‌المللی صلح سوریه و برنامه نشست عمومی این کنفرانس را نهایی کردند. اولین دیدار نماینده ایران با نماینده روسیه نیز در آستانه ورود به سوچی صورت گرفت؛ یعنی دوشنبه، روز شروع دور دهم این مذاکرات.

نمی‌توان ایران را مجبور به خروج از سوریه کرد

این نشست‌ها و مذاکرات در شرایطی برگزار می‌شود که رژیم اسرائیل و هم‌پیمان آنها یعنی آمریکا بیشترین رایزنی‌ها را با روسیه درباره حضور ایران در این کشور انجام داده‌اند؛ از دیدار ترامپ و پوتین در هلسینکی گرفته که محور اصلی آن ایران بود، تا سفر وزیر خارجه روسیه به اسرائیل و پیشنهادی مبنی بر ابقای نیروهای نظامی در جنوب سوریه که مخالفت بنیامین نتانیاهو را در پی داشت. اما اسرائیلی‌ها انگار همچنان خواستار پیش‌بردن اهدفشان با تهدید و زور هستند. موضوعی که حتی سفیر روسیه در اسرائیل نیز با آن مخالف است. آناتولی ویکتوروف در مخالفت با خواسته طولانی‌مدت اسرائیل مبنی بر اینکه ایران باید به‌طور کامل از سوریه خارج شود، گفت: «نمی‌توان ایران را مجبور به خروج از سوریه کرد». به گزارش رویترز، ویکتوروف ادامه داد: «مسکو به‌طور مساوی نیز اقدامی برای جلوگیری از حملات نظامی اسرائیل علیه ایران در سوریه نخواهد کرد». با این همه دیروز در سوچی رؤسای هیئت‌های ایران، روسیه و ترکیه نشست چهارجانبه‌ای هم با حضور استفان دی‌میستورا نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در امور سوریه داشتند. در این نشست گزارشی از برگه غیررسمی تهیه‌شده درباره کمیته قانون اساسی سوریه و همچنین روند تعیین و معرفی نمایندگان دولت، معارضه و جامعه مدنی سوریه در این کمیته ارائه شد و مذاکره‌کنندگان ارشد سه کشور ضامن روند آستانه دیدگاه‌ها و ملاحظات خود را درخصوص آن اعلام کردند. بعد از این نشست دی‌میستورا آن را مثمر ثمر دانست. به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک او در جمع خبرنگاران گفت: «رایزنی‌ها درباره کمیته قانون اساسی را به پایان رساندیم و نشست خوب و مفیدی بود». یک منبع آگاه در هیئت ایران هم درباره نشست چهارجانبه به «ایسنا» گفت: «دی‌میستورا با کشورهای ضامن آتش‌بس استانداردهای انتخاب نمایندگان طرف‌های مختلف در کمیته قانون اساسی سوریه را مورد بحث و بررسی قرار داد و گزارشی از فهرست این کمیته ارائه کرد که هنوز نهایی نشده است». همچنین رایزنی‌های کشورهای ضامن روند آستانه در آینده نیز مشخص شد. دفتر نماینده ویژه سازمان ملل در بیانیه‌ای تأکید کرد که رایزنی‌هایی با نمایندگان کشورهای ضامن درباره کمیته قانون اساسی سوریه در اوایل سپتامبر (شهریور) در ژنو برگزار خواهد شد. در عین حال علی‌اکبر ولایتی مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل نیز در دیدار خود با پوتین در مسکو از نشستی درباره موضوع سوریه به میزبانی تهران خبر داده بود.

رئیس‌جمهوری در دیدار سفیر جدید انگلستان در تهران:

ایران نمی‌خواهد مشکلی در آبراه‌های جهانی ایجاد شود

شرق: روز سه‌شنبه رئیس‌جمهوری در دفتر خود میزبان سه سفیر خارجی و ۱۳ سفیر ایرانی و نماینده جدید ایران در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو بود. سفرای جدید کشورهای انگلیس، کره جنوبی و ویتنام در دیدارهای جداگانه استوارنامه‌های خود را به حسن روحانی تقدیم و با او گفت‌وگو کردند. روحانی همچنین در دیدار با سفرای جدید ایران در ۱۳ کشور، از انتخاب سفرای زن و اهل تسنن توسط وزارت خارجه تقدیر کرد. رئیس‌جمهوری روز گذشته در دیدار با «رابرت مک‌ایر»، سفیر جدید انگلستان در تهران، با استقبال از گسترش و توسعه روابط با لندن، تأکید کرد: «خوشبختانه در سال‌های اخیر اراده ایران و انگلستان بر برقراری روابط و مناسبات خوب میان دو کشور بوده است». به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری «حسن روحانی»، ملاقات‌ها و مذاکرات مسئولان دو کشور در مسائل دوجانبه و بین‌المللی را سازنده توصیف کرد و گفت: «امروز در مقطع تاریخی بسیار مهمی در رابطه با برجام قرار داریم و بیان شفاف موضع اروپا نسبت به اقداماتی که باید برای جبران خروج غیرقانونی آمریکا از برجام انجام دهد، برای ملت ایران بسیار حائز اهمیت است».رئیس‌جمهور افزود: «جمهوری اسلامی ایران هرگز به دنبال تنش در منطقه نبوده و نمی‌خواهد مشکلی در آبراه‌های جهانی ایجاد شود، اما هیچ‌گاه از حق خود در صادرات نفت نیز به راحتی نمی‌گذرد».او با انتقاد از عدم اجرای کامل برجام در بخش‌های تجاری و اقتصادی و روابط بانکی از سوی برخی از اعضا، عنوان کرد: «جمهوری اسلامی ایران همواره برای توسعه مناسبات و حسن رابطه با کشورهای اروپایی آماده است و اکنون پس از خروج غیرقانونی آمریکا از برجام، در فرصت محدود باقی‌مانده توپ در زمین اروپا قرار دارد».سفیر جدید انگلستان نیز در این دیدار ضمن تقدیم استوارنامه خود به حسن روحانی با اشاره به اینکه دولت بریتانیا از اجرا و تداوم برجام حمایت می‌کند، گفت: «امروز تلاش گسترده‌ای میان کشورهای اروپایی برای حفظ برجام، به‌ویژه در زمینه اقتصادی برقرار است که بی‌سابقه بوده».

رابرت مک‌ایر، با بیان اینکه سیاست تنش‌زدایی ایران در منطقه بسیار حائز اهمیت است، افزود: «ما به دنبال توسعه هرچه بیشتر روابط و مناسبات با ایران هستیم و معتقدیم، حل مشکلات و بحران‌ها تنها از طریق گفت‌وگو و دیپلماسی امکان‌پذیر است».

دیدار رابرت مک‌ایر، سفیر جدید انگلیس، با حسن روحانی

سفیر جدید انگلیس کیست؟

رابرت مک‌ایر، ششم خرداد با تقدیم استوارنامه خود به محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، کار خود را آغاز کرده و دومین سفیر انگلیس بعد از بازگشایی سفارت انگلیس در ایران است. او بعد از انتصاب به‌عنوان سفیر در ایران گفته بود: «ادامه همکاری ما با ایران برای رسیدن به هدف ایجاد یک خاورمیانه امن و باثبات بسیار ضروری است. من با دولت ایران و شرکای بین‌المللی برای حفظ برجام و تعمیق روابط دوجانبه از طریق همکاری‌های سازنده در زمینه‌های حقوق بشر، تجارت، دستیابی به راه‌حل‌های سیاسی در یمن، سوریه و دیگر نقاط همکاری خواهم کرد».مک‌ایر، در سال ۱۹۸۷ وارد وزارت دفاع شده و سه سال بعد به وزارت امور خارجه انگلیس منتقل شد. فعالیتش در رومانی به سال‌های ۱۹۹۱ تا ۹۵ بازمی‌گردد، اما بعد از برگشت به لندن روی خاورمیانه متمرکز شد و از ۹۸ تا ۲۰۰۲ دبیر اول اداره خاورمیانه در سفارت انگلیس در واشنگتن شد. بعد از بازگشت از واشنگتن، در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ و در زمانی که حمله به عراق و افغانستان صورت گرفت، رئیس اداره مقابله با تروریسم وزارت خارجه در لندن شد. ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ در هند کنسول سیاسی بود، از ۲۰۰۶ به مدت دو سال مدیر بخش خدمات کنسولی وزارت خارجه انگلیس و در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ در کنیا کار کرده و بعد از آن از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ مدیر بخش دولت، امور عمومی و ریسک سیاسی در شرکت نفت و گاز انگلیس به نام «بی‌جی‌گروپ» بود که این شرکت زیر نظر شرکت رویال داچ شل کار می‌کند.

ابراز خرسندی رئیس‌جمهوری از انتخاب سفرای زن و اهل تسنن

رئیس‌جمهوری همچنین در دیدار با سفرای جدید جمهوری اسلامی ایران در لهستان، ژاپن، واتیکان، ایتالیا، ایرلند، اسلوونی، فنلاند، لبنان، قزاقستان، اوکراین، مالی، کلمبیا، بلغارستان و سفیر و نماینده دائم ایران در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو، آنان را به تلاش مضاعف به منظور تقویت و تحکیم مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورمان در عرصه بین‌المللی توصیه کرد.

حسن روحانی در این دیدار توجه به اولویت مسائل اقتصادی در روابط و مناسبات خارجی ایران را مورد تأکید قرار داد و عنوان کرد: «اگر هرکدام از شما یک گام مهم در زمینه مسائل اقتصادی، به‌ویژه در تقویت همکاری شرکت‌ها و بنگاه‌های بخش خصوصی کشورمان با کشورهای محل مأموریت خود بردارید، می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. باید شرایط کنونی و تهدید و فشار موجود از سوی دولت آمریکا را به فرصتی برای توسعه و پیشرفت روزافزون تبدیل کنیم و بی‌تردید می‌توانیم از این شرایط به خوبی عبور کنیم». او با اظهار خرسندی از انتخاب پروین فرشچی به‌عنوان سفیر کشورمان در فنلاند، افزود: «از اینکه فرصتی فراهم آمده تا خانم‌ها لیاقت و استعداد خود را در صحنه‌های خارجی و مجامع بین‌المللی نیز نشان دهند، بسیار خوشحال هستیم و این‌گونه اقدامات در شرایطی که به‌گونه‌ای تبلیغ می‌کنند که اسلام و ایرانی‌ها با حضور زنان در عرصه‌های مدیریتی و اجتماعی مخالف‌اند، می‌تواند بسیار مؤثر و تأثیرگذار باشد. وزارت خارجه در انتخاب خانم‌ها و هم‌وطنان اهل تسنن به‌عنوان سفیر اقدامات خوبی انجام داده و باید بر مبنای شایستگی و تعهد آن را ادامه دهد».

تحریم‌ها نباید به روابط تهران-سئول آسیب بزند

رئیس‌جمهوری همچنین هنگام دریافت استوارنامه «یو جانگ هیان» سفیر جدید کره جنوبی در تهران، با بیان اینکه همواره روابط خوب و دوستانه‌ای میان ایران و کره جنوبی برقرار بوده و در سال‌های اخیر نیز شاهد گسترش مناسبات بوده‌ایم، گفت: «ارتباط و گفت‌وگوهای مسئولان دو کشور در بخش‌های مختلف همواره دستاوردهای مثبتی را به همراه داشته است».روحانی با اشاره به اینکه امروز شرکت‌ها و بخش‌های خصوصی دو کشور همکاری‌های خوبی در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه در بخش انرژی با هم داشته و به هم اعتماد دارند، عنوان کرد: «ایران همواره می‌تواند منبع پایدار و مطمئنی برای تأمین انرژی کره جنوبی باشد». او با بیان اینکه دنیای سیاست حوادث و فراز و نشیب‌های فراوانی داشته و همواره در گذر است، افزود: «مطمئنا تصمیمات دولت جدید آمریکا زودگذر است و در عین حال روابط ایران و کره جنوبی تاریخی و ریشه‌دار است».رئیس‌جمهوری با تأکید بر تلاش در راستای توسعه و تحرک بیشتر روابط و همکاری‌های تهران - سئول و تسریع در اجرای توافقات مشترک، گفت: «نباید اجازه دهیم حوادث سیاسی و تحریم‌های غیرقانونی بر روابط تاریخی دو کشور آسیب و صدمه‌ای وارد کند».

روابط تهران-هانوی را باید مستحکم‌تر کنیم

رئیس‌جمهوری همچنین هنگام دریافت استوارنامه «نوین مان هی ین» سفیر جدید ویتنام در تهران با بیان اینکه مردم ایران از حافظه تاریخی بسیار خوبی نسبت به مردم ویتنام برخوردار هستند، گفت: «از ویتنام، ملتی سرزنده، مقاوم و ایستاده برای دفاع از وطن‌شان در اذهان مردم ایران نقش بسته است و رابطه معنوی و فرهنگی بسیار خوبی بین دو ملت وجود دارد و می‌توان از این فرصت و ظرفیت برای استحکام بیشتر روابط دو کشور استفاده کرد».

در دفاع از «ناامیدی»

سامان صفرزایی

«باید ناامیدی فانی را بپذیریم اما هرگز امید نامیرا را از دست ندهیم».

مارتین لوترکینگ

افراد جوامع در مواجهه با تغییر و تحولات سیاسی که در اطراف خود و ازسوی نمایندگان انتخاب‌شده یا دیگر نخبگان می‌بینند، دچار احساسات درونی مهمی می‌شوند که می‌تواند در انتخاب آنها برای نزدیک‌شدن به گرایش‌های متفاوت سیاسی- از انفعال کامل تا غلیان کامل- به‌شدت تأثیرگذار باشد. یکی از مهم‌ترین مواضع شهروندی که ارتباطی بسیار تنگاتنگ و فی‌الفور با عملکرد نخبگان سیاسی پیدا کرده، مسئله «امید» یا «یأس» است. تقریبا از اوایل مهرماه گذشته به‌دلایل متعدد تاریخی، سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی، بحث‌ها و اشارات بی‌شماری درباره «انسان‌های ناامید» در ایران به‌راه افتاده است. بااین‌حال در عمده این بحث‌ها و اشارات کوشش می‌شود از «انسان ناامید» چند خصلت استخراج شود که پیش از آنکه به واقعیت نزدیک باشد، بیشتر کوششی برای جلب حمایت از پروژه‌های سیاسی متعدد ازسوی نیروهای گوناگون در داخل یا خارج از کشور است. یأس دست‌کم در معنای برگرفته از تعبیری که «مت اسلیت» به آن می‌پردازد، احساسی است که پس از آشکارشدنِ ناکامی انتظارات و امیدها در واقعیت رقم می‌خورد. وقتی ما از سیاست ناامید می‌شویم، به این معناست که از سیاست‌هایی ناامید شده‌ایم که خروجی‌هایی را بیرون نداده‌اند که ما امیدش را داشتیم. به این معنا که بین «آنچه هست» و «آنچه قرار بود باشد»، شکاف وجود دارد. در انتخابات سال ۱۳۹۶ از آنجا که رئیس‌جمهور ایران پس از اولین مناظره انتخاباتی، خود را در معرض شکست از حریفان می‌دید، در ۱۰ روز منتهی به انتخابات شعارهایی در دفاع از بنیان‌های «جمهوری‌خواهی» و «عدالت لیبرال» مطرح کرد. شعارهایی که همچون انتخابات سال ۱۳۷۶ نتوانست رنگ‌وبوی آرمان به خود بگیرد و جامعه مطالبه‌گر درک می‌کرد که آن سخنرانی‌ها صرفا برای قطعی‌شدن پیروزی مطرح می‌شود. بنابراین پس از گذشت یک سال آنچه ناامیدکننده به‌نظر می‌آید، نه ناکامی روحانی در عمل‌کردن به آرمان‌های تبلیغاتی‌اش، بلکه سقوط آن چیزی است که آرمان‌های واقعی او قلمداد می‌شد: موفقیت در دیپلماسی و بهبود وضعیت اقتصادی. به هر دلیل به‌ویژه از انتخابات سال ۱۳۹۲ به این‌سو این تصور یا خیال در بین نیروهای اجتماعی متعدد، با کمک رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران، پدیدار شد که امکان پیشبرد اهداف دیپلماتیک با رویکرد نزدیک‌شدن به غرب و کشورهای خلیج‌فارس یا دست‌کم تنش‌زدایی و بهبود وضعیت اقتصادی با رویکرد برداشتن همیشگی تحریم‌ها و بهبود وضع کسب‌وکار و رفاه اجتماعی، موجود است بدون آنکه لازم باشد تغییرات بنیادینی در سطوح سیاسی و حقوقی رقم بخورد. شکست این سیاست به دلایل متعدد که موضوع بحث نیست، بعد از پنج سال علنی شده است و شکاف بین «آنچه هست» و «آنچه قرار بود باشد» طبیعتا می‌بایست اسباب «یأس» را پدید آورده باشد. آیا امکان داشت مأیوس نشویم؟ اگر بگوییم ناامیدی زمانی رخ می‌دهد که امید یافت نشود، پس ممکن است با کاهش امیدها، وقوع ناامیدی نیز کاهش پیدا کند. به دیگر بیان هرچه کمتر به سیاست امید داشته باشیم، دلایل کمتری برای ناامیدی خواهیم یافت. در حالت غایی، اگر هیچ امیدی در کار نباشد، یا این‌طور بگوییم اگر تماما تسلیم وضع موجود شویم، دیگر اساسا سیاست یک عرصه برای ناامیدی اجتناب‌ناپذیر قلمداد نمی‌شود. بدونِ «آنچه قرار بود باشد»، ما دیگر نگرانِ «آنچه هست» نخواهیم بود. این تنها راه موجود برای گریز از «ناامیدی» است که درعین‌حال به‌معنای مرگ «انسان سیاسی» و پایان فاعلیت هم می‌تواند قلمداد شود. با این توضیحات باید پافشاری کرد که «ناامیدی» از جدی‌ترین روحیات انسان مدرن است و گرچه مخاطره‌ای دردناک است، درعین‌حال پیش‌برنده و فعال‌کننده است. تفسیر مطلق و کانتی آن می‌شود: «ناامید می‌شوم، پس هستم».

یک دیوار باریک

شهروند ناامید عموما در وضعیتی است که می‌بیند میان آنچه به او وعده داده شده و آنچه به انجام رسیده، فاصله زیادی وجود دارد. ناامیدی کماکان به‌عنوان یک ارزش مدرن او را در منازعه نگه می‌دارد و فاعلیت او را پابرجا نگه می‌دارد؛ چراکه شهروند ناامید از سیاست‌مداران ناامید است و نه از خودِ سیاست و به طور دقیق‌تر نه از سیاست خردورزی که اگرچه می‌توان بر سر تعریف آن مناقشات بسیار داشت؛ اما براساس انباشت تجربه تاریخی ما برخی ویژگی‌های بارز دارد. مثلا سیاست خردورزی سیاستی است که تمامیت ارضی ایران را کاملا و بدون هیچ تردیدی تضمین می‌کند. سیاست خردورزی سیاستی است که از جنگ داخلی خون‌بار جلوگیری می‌کند. سیاست خردورزی عدالت را بین شهروندان برقرار می‌کند و جز اینها؛ و البته در گفت‌وگوهای متعدد اولویت اینها نیز تا حدی مبرهن می‌شود. برای نمونه می‌توان تأکید کرد که در تمام ادوار از زمان مشروطه به بعد مهم‌ترین شاخصه سیاست خردورزی در ایران نوعی از سیاست بوده است که اول و آخر تمامیت ارضی کشور را تضمین کند؛ اما باید تأکید کرد که فاصله زیادی میان ناامیدی سیاسی و انفعال و وادادن وجود ندارد. فاصله میان بی‌اعتمادی به سیاست‌مداران و گسستن از سیاست اندک است. احوالاتی که محتمل است افراد را در وضعیت بی‌علاقگی به امر سیاسی قرار دهد. حالات ناامیدی سیاسی با فروماندگی و نفرت تفاوت دارد. احساساتی که معنای‌شان این است که فرد تعلقی به جامعه سیاسی ندارد یا ارتباط چندانی میان خود و دیگر شهروندان برای ایجاد تغییرات احساس نمی‌کند یا اگر احساس می‌کند آن را در رویکردهای تلخ، پرخشونت، رمانتیک، پارانوئید، نوستالژیک یا یکسره‌کننده می‌بینند.

ادامه در صفحه ۱۵

روزنه

رأی مجلس به حقوق‌دان نزدیک به آیت‌الله جنتی

● **شرق:** از میان سه گزینه‌ای که برای انتخاب عضو حقوق‌دان شورای نگهبان به مجلس معرفی شده بود تا جایگزین محمد علیزاده، عضو تازه درگذشته این شورا شود، مجلسیان به سیامک رهپیک رأی دادند. رهپیک که از سال ۸۹ تا ۹۵ یعنی دور ششم شورای نگهبان هم عضو این شورا بود، توانست فقط ۱۴۵ رأی از ۲۴۳ رأی را به خود اختصاص دهد. این احتمال وجود دارد که بخش اعظمی از نمایندگان فراکسیون امید به او رأی نداده باشند. اما در نهایت فراکسیون امید افراد را در رأی‌دهی به گزینه‌های موجود مختار گذاشته بود. رئیس قوه قضائیه، آقایان سیامک رهپیک، احمد بیگی حبیب‌آبادی و محمدحسن صادقی‌مقدم را به عنوان نامزدهای پیشنهادی‌اش برای عضویت در شورای نگهبان به قوه مقننه معرفی کرده بود. با انصراف محمدحسن صادقی‌مقدم از نامزدی شورای نگهبان، سیامک رهپیک و احمد بیگی حبیب‌آبادی به تشریح برنامه‌ها و مشخصات خود برای مجلس شورای اسلامی پرداختند سپس مجلس وارد رأی‌گیری شد که در نهایت رهپیک حائز بیشترین آرا شد. رهپیک هم‌اکنون معاون اجرائی و امور انتخابات شورای نگهبان است و در دوره‌ای رئیس هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات هم بود. بعد از عباسعلی کدخدایی، سخنگو و دیگر عضو حقوق‌دان شورای نگهبان، او نزدیک‌ترین فرد به آیت‌الله جنتی، دبیر شورای نگهبان، است. تا جایی که در دوره‌ای که نجات‌الله ابراهیمیان برای مدت کوتاهی وظیفه سخنگویی این شورا را بر عهده داشت، این سیامک رهپیک بود که پابه‌پای سخنگو با خبرنگاران گفت‌وگو می‌کرد و در بزنگاه‌های انتخابات، اخبار انتخابات را با رسانه‌ها در میان می‌گذاشت. این درحالی بود که طبق قانون، این کار وظیفه سخنگوی شورای نگهبان است. حضور رسانه‌ای و فعال رهپیک مقارن با زمانی بود که سخنگوی پیشین شورای نگهبان مستقیم و غیرمستقیم از اختلافاتش با دبیر شورا سخن می‌گفت. سخنگوی پیشین معتقد بود که سخنگویی یعنی «بوق» و حتی در گفت‌وگویی به‌کنایه گفته بود: «کنار رفتم تا همفکران آقای جنتی بیایند». او به صراحت از اختلاف سلیقه با دبیر شورای نگهبان سخن گفته بود و اینکه «دبیر شورای نگهبان در ابتدا با انتخاب اعضای جدید در شورای نگهبان خیلی موافق نبودند و به این اعضایی که از سوی مجلس انتخاب شدند خیلی روی خوشی نشان ندادند». شاید بابت همین اختلافات بود که سیامک رهپیک از سوی دبیر شورا اجازه یافته بود تا رأسا درباره اخبار انتخابات با رسانه‌ها گفت‌وگو کند.

قابل توجه‌ترین اظهارنظر او در این اواخر به ماجرای بودجه شورای نگهبان مربوط است. بودجه شورای نگهبان در سالی که این نهاد مسئولیت نظارت بر هیچ انتخاباتی را برعهده ندارد صد میلیارد تومان است. عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورا، در واکنش به انتقادهایی که نسبت به بودجه شورای نگهبان شده، گفته بود: «بودجه شورای نگهبان خیلی کمتر از پول توجیبی برخی مسئولان است». روزنامه جمهوری اسلامی هم از او خواسته بود مسئولانی را که صد میلیارد تومان پول توجیبی می‌گیرند، معرفی کند. با این حال، رهپیک در توجیه اینکه این صد میلیارد تومان قرار است صرف چه کاری شود، گفته بود: «در سالی که انتخابات نیست، این بودجه صرف جلسات آموزشی و نگهداری شبکه چند صد هزارنفری می‌شود؛ از جمله بحث نگهداری شبکه، دفاتر هیئت نظارت، آموزش و توجیه که بین انتخابات‌ها وجود دارد. مانند هر دستگاهی که برای آن برنامه می‌نویسند، در شورای نگهبان هم چند برنامه هست که مقصود از نظارت همین بحث برنامه آموزش و توجیه و نگهداری شبکه چند صد هزارنفری است». اما رهپیک جزئیاتی درباره نحوه نگهداری این شبکه چند هزارنفری شورای نگهبان نداده بود. او درباره تعداد دفاتر استانی، کارمندان و هزینه‌هایش چیزی نگفته است که آیا منظورش از شبکه همان دفاتر و کارمندانش هستند یا اعضای هیئت‌های نظارت در استان و شهر و روستا را نیز دربر می‌گیرد؟ در این صورت مگر اعضای شبکه افرادی ثابت هستند که هر ماه باید آموزش ببینند و مگر آموزش آنها نیاز به بودجه و هزینه دارد؟ رهپیک توضیح شفاف‌تری درباره منظور خود از «نگهداری» این شبکه نداده و همچنین نگفته بود که این آموزش‌ها چگونه است؟ آیا آنها هر هفته آموزش می‌بینند؟ هر ماه؟ چند روز؟ و هزینه‌های آموزشی آنها چقدر است؟ و اصلا چه نیازی به نگهداری یک شبکه است؟ براساس یک رویه یا عرف معمولا اعضای هیئت‌های نظارت و اجرائی انتخابات از رأس تا سر صندوق‌ها همان ماه‌های پایانی انتخابات انتخاب می‌شوند و یک‌سری کلاس‌های آموزشی برای آنها گذاشته می‌شود. خبرآنلاین در گزارشی نوشته بود: «قابل توجه این است که تا سال ۹۰ بودجه شورای نگهبان در ردیف ۱۰۱۶۰۰ به‌طور میانگین رشدی سه الی چهاردرصدی داشته است اما از سال ۹۰ به بعد این رشد دورقمی می‌شود و حتی سال ۹۴ بودجه این نهاد افزایش ۹۹درصدی را تجربه می‌کند که البته توجیه آن، برگزاری دو انتخابات هم‌زمان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری در آن سال بوده است. اما نکته تأمل‌برانگیز این است که سال ۹۵ در شرایطی که انتخاباتی در کار نبوده و اصولا باید بودجه شورای نگهبان نسبت به سال ۹۴ کاهش پیدا می‌کرده، باز با رشدی ۲۱درصدی مواجه می‌شود و این مسئله در سال‌های ۹۶ و ۹۷ نیز تکرار می‌شود».